

ابو منصور دقیقی

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

ابو منصور محمد فرزند احمد دقیقی (مقابل 367 - 369 ه.ق.) شاعر و ادیب تاجیک تبار ایرانی بود. زادگاه وی بنا به روایات گوناگون: بلخ، سمرقند و بخارا ذکر شده و در اواسط نیمه اول قرن چهارم متولد گردیده است.

زندگی نامه وی یکی از پیشگامان « شاهنامه سرایی » در ادبیات فارسی محسوب می‌گردد. دقیقی در زمان شاهنشاهی سامانیان کار « شاهنامه سرایی » را آغاز کرد. او که در دربار امیران سامانی می‌زیست، شاهان سامانی و امرای چغانی را مدح می‌گفته. پس از یک دوره طولانی سکوت از ترس سرکوب بیگانگان، سکوت را شکست و این کار شگفت را آغاز نمود. (7)

از اشعار دقیقی بر می‌آید که وی گرایش زیادی به « می » و « دین زرتشتی » داشته است. باور متقدمان این است که وی نظم شاهنامه‌اش را بدستور « امیر نوح فرزند منصور سامانی » آغاز نموده است. از وی قصاید غزلها و قطعات و ابیات پراکنده ای در تذکره ها خاصه در :

لباب الالباب، مجمع الفصحا، تاریخ بیهقی، ترجمان البلاغة، حدائق السحر والمعجم، کتاب لغت فرس اسدی نقل شده و همه متفقاً دلالت نام بر استادی این شاعر توانا می‌کند. اما اثر پرارزش و جاویدان او « گشتاسپنامه » که قسمتی از شاهنامه فردوسی است در شرح سلطنت گشتاسپ و ظهور زرتشت و جنگ مذهبی میان گشتاسپ و ارجاسپ تورانی می‌باشد، مهارت و دقت خیال، تعبیر و تبیین او را در مقام شناخت تاریخ و ادب وقت بنمایش می‌گذارد.

عدد ابیات « گشتاسپنامه » دقیقی را، « فردوسی » هزار و « عوفی » بیست هزار و « حمدالله مستوفی » سه هزار گفته اند.

هزار بیت دقیقی، که فردوسی در شاهنامه خود آورده است به این بیت آغاز میشود :

چو گشتاسپ را داد لهراسپ تخت
فرود آمد از تخت و بر بست رخت
ببلخ گزین شد بران نوبهار
که یزدان پرستان بدان روزگار
مرآن جای را داشتندی چنان
که مر مکه را تازیان این زمان

وبدین بیت ختام می پذیرد :

بآواز خسرو نهادند گوش
سپردند اورا همه گوش و هوش

فردوسی در پایان گفتار دقیقی پس از نقل هزار بیت او چنین آورده است :

دقیقی رسانید اینجا سخن
زمانه برآورد عمرش ببین
ربودش روان از سرای سپنج
از آن پس که بنمود بسیار رنج
بگیتی نماندست ازو یادگار
مگر این سخن های ناپایدار
نماندی که بردی بسر نامه را
براندی بر او سر بسر خامه را (8)

ورود « دقیقی » در انواع مختلف شعر و قدرتی که در همه ابواب نشان داده دلیل آشکار نیست بر فصاحت کلام و روانی طبع و قوت بیان و ذهن او . بیهوده نیست که « فردوسی » او را به « گشادگی زبان » و « سخن گفتن خوب » و « روانی طبع » وصف می کند. وی قصاید مدحی را کمال بخشید . بعضی از قصاید او بعد ها چند بار مورد استقبال شعرای استاد قرار گرفته است . او بدین زرتشتی بود.

دقیقی چار خصلت بر گزیده ست
بگیتی از همه خوبی و زشتی
لب یاقوت رنگ و ناله چنگ
می خون رنگ و کیش زرتشتی (9)

پیام ظهور زرتشت سپنتمان در رویکرد های فکری « دقیقی بلخی » مرحله از شناخت باور ها و نظم زندگی بر پایه تعقل است. حضرت دقیقی بلخی با شناخت دقیق از ارزش معارف انسانگرایی سیستم فکری زرتشتیان ، بنیاد گذار و سرایشگر نهادینه های خرد اوستایی در شاهنامه میباشند.

دقیقی بابیان حرمت - کلام آسمانی اش را از زادگاه نزول فره یزدی بلخ آغاز میکند و آنگاه با بصیرت به باز شناسی پیامبر خرد و خردمندی رسالت او می پردازد، و چنین بیان میکند :

... به شاه جهان گفت پیغمبرم
ترا سوی یزدان همی رهبرم
جهان آفرین گفت بپذیر این
نگه کن بدین آسمان و زمین
که بی خاک و آبش بر آورده ام
نگه کن بدو تاش چون کرده ام
نگر تا تواند چنین کرد کس
مگر من که هستم جهان دار و بس
گر ایدونک دانی که من کردم این
مرا خواند باید جهان آفرین
زگوینده بپذیر به دین اوی
بیاموز ازو راه و آئین اوی
نگر تا چه گوید برین کارکن
خرد بر گزین این جهان خوار کن
بیاموز آئین دین بهی
که بی دین نه خوبست شاهنشهی
چو بشنید ازو شاه به دین به
پذیرفت ازو دین و آیین به
نبرده برادرش فرخ زریر
کجا زنده پیل آوریدی بزیر
پدرش آن شه پیر گشته ببلخ
که گیتی بدیش اندرون بود تلخ
سوران بزرگ از همه کشوران
پزشکان دانا و گند اوران
همه سوی شاه زمین آمدند
ببستند گشتی بدین آمدند
پدید آمد آن فرّه ایزدی

برفت از دل بد سگالان بدی(10)

دقیقی بلخی با بیان نام پاک زرتشت راه را به اعتقادات اهورایی تاریخ چند هزار ساله مردم آریایی می کشاید، باغستان سبزی که در آن هزاران شاخه گل از راز و رمز خوشبختی، لطافت و زیبای مشک و معطر با شبنم نماز انسانگرایی، شمیم می افشانند :

همه برگ وی پند و بارش خرد
کسی کو خرد پرورد کی مُرد
خجسته پی و نام او زرتشت
که آهن من بد کنش را بکشت

دقیقی در جوانی به علت نامعلومی بدست خدمتگارش کشته شد و فریبوسی علت و واقعه قتل او را چنین یاد می کند.:

جوانیش را خوی بد یار بود
همه ساله تا بُد بپیکار بود
برو تاختن کرد ناگاه مرگ
بسر بر نهادش یکی تیره ترگ
بدان خوی بد جان شیرین بداد
نبود از جهان دلش یک روز شاد
یکایک از او بخت بر گشته شد
بدست یکی بنده بر کشته شد (11)

دقیقی بدون شک یکی از بزرگترین خردمندان ادب و فرهنگ خراسان زمین در قرن چهارم است . شاعران بعد از او مقام فرهنگی و استعداد ادبی او را نغز و شایسته ستوده اند . شاعر معروف ادیب صابر با پاکیزگی نیت عظمت دقیقی را اینطور بیان می کند:

گر نیستم بطبع دقیقی و فرخی
هستم کنون مقدمه کاروان خویش

اینجا گونه از انگاره های زیبا شناسی دقیقی را بخوانش می گیریم :

پری چهره بتی عیار و دلبر
نگاری سرو قـدّ و ماه منظر
سیه چشمی که تا رویش بدیم
سرشکم خون شدست و بر مُشَجَر
اگر نه دل همی خواهی سپردن
بدان مژگان زهر آلود منگر...
بسان آتش تیز است عشقش
چنان چون دو رخس هم رنگ آذر
بسان سرو سیمینست قـدّش
ولیکن بر سرش ماه منور

فریش آن روی دیبا رنگ چینی
که رشک آرد بر او گلبرگ تر بر
فریش آن لب که تا ایدر نیامد
ز خُلد آیین بوسه نامد ایدر
از آن شکر لبانست اینکه دایم
گدازانم چو اندر آب شگر...

منابع و مأخذ

- 7 - مجمع الفحفا، عوفی ، ج 1 ، ص 25 .
- از ویکی‌پدیا، دایرةالمعارف آزاد.
(تغییر مسیر از دقیقی بلخی)
search ,navigation : Jump to
- لباب الباب ، عوفی ، ج 1 ، ص 11 .
- 8 - شاهنامه فردوسی ، نشر قطره متن کامل ، ص 646 .
- فرهنگ فارسی ، دکتر معین ، ص 532 .
- لباب الالباب ، عوفی ، جلد 2 ، ص 33 .
- 9 - تاریخ ادبیات ایران ، ذبیح الله صفا ، جلد 1 ، ص 409 .
ورجوع شود به : کتب اسلام در ایران ، اثر پطروشفسکی ، ص 274 .
- فلسفه زرتشت ، داکتر فرهنگ مهر ، ص 141 .
- 10 - جهت معلومات بیشتر به منابع زیر رجوع شود:
- سایت بنیاد فرهنگ ایران
- فخرالدین بناکتی، تاریخ بناکتی ، ص 28 - الهامه مفتاح جغرافیایی تاریخی بلخ و جیحون ص 103 .
- تاریخ سیستان از مؤلف : نا معلوم به تصیح ملک الشعرا بهار ص 220 .
- ترجمان البلاغة ، چاپ ترکیه ، سال 1949 م. ص 133 .
- 11 - تاریخ ادبیات در ایران ، ذبیح الله صفا ، ج 1 ، ص 411 .